

شاهد کودک

• ماهنامه‌ی شاهد کودک

• شماره ۲۸ اردیبهشت ۱۳۸۷

• بها ۳۰۰ تومان



به نام خدا

صاحب امتیاز: بنیاد شهید و امور ایثارگران
مدیر مسئول: دکتر حسین دهقان
سردبیر: دکتر عباس خامه یار
جانشین سردبیر: محمد علی فقیه

دبیر تحریریه: دکتر سپیده خلیلی
مدیر داخلی: گلдіس حکمی
ویراستار: ترانه امیر ابراهیمی
مدیر هنری: علیرضا ذاکری
گرافیک و صفحه آرای: مهسا بزرگ امید
حروفچین: ویدا امیدی

ناظر فنی چاپ: محمدرضا قادری
امور فنی: آتلیه شاهد
تلفن تحریریه: ۸۸۳۰۸۰۸۶

تلفن امور مشترکین: ۸۸۸۲۳۵۸۴

دورنگار امور مشترکین: ۸۸۳۰۹۲۴۹

آدرس الکترونیکی: koodak@shahedmag.com

صندوق پستی: ۱۵۷۱۵-۱۹۱

ناشر: انتشارات شاهد

تهران- خیابان ایت الله طالقانی

خیابان ملک الشعراء بهار شمالی

شماره ۳- تلفن: ۸۸۸۴۲۲۴۷

چاپ: چاپخانه بلاغ

خیابان شریعتی- بالاتر از حسینیة ارشاد- کوچه بهشت آسا

توزیع: موسسه فرهنگی هنری شاهد: ۸۸۸۲۹۵۲۳

هزار دیهشت



جدول
زرد آلو

علامت های راهنمایی

داستان های نوید و ندا

پوستر

آینه و عروسکی

معرفی کتاب

داستان کودکی

آداب بچه ها

چه کار کنیم؟ چه کار نکنیم؟



تصویر روی جلد: حدیثه قربان

* مجله در تلخیص و ویرایش مطالب رسیده آزاد است

* مطالب رسیده بازگردانده نمی شود

* نقل مطالب مجله با ذکر مأخذ مجاز است

۳

۴

۶

۸

۱۰

۱۱

۱۲

۱۳

۱۴

۱۶

۱۸

۲۰

۲۲

۲۴

۲۵

۲۷

۲۸

۲۹

۳۰

۳۲

۳۴

۳۵

موش کوچولو

علمی

اردک های ماهوش

کلاغ های سرگرم

باغ گل

معرفی لوح فشرده

سفارش کتاب

گلدان کاغذی

لطفیه

خند

آداب بچه ها

داستان کودکی

چه کار کنیم؟ چه کار نکنیم؟

آداب بچه ها

داستان کودکی

چه کار کنیم؟ چه کار نکنیم؟



فرم اشتراک شاهد کودک



هَر اَر دِیْهَشْت

توی دهِ ما
هر اَر دِیْهَشْت
می شود زمین
شبیه بهشت

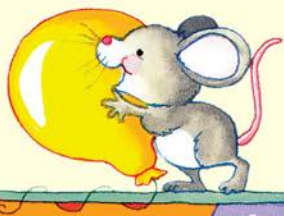
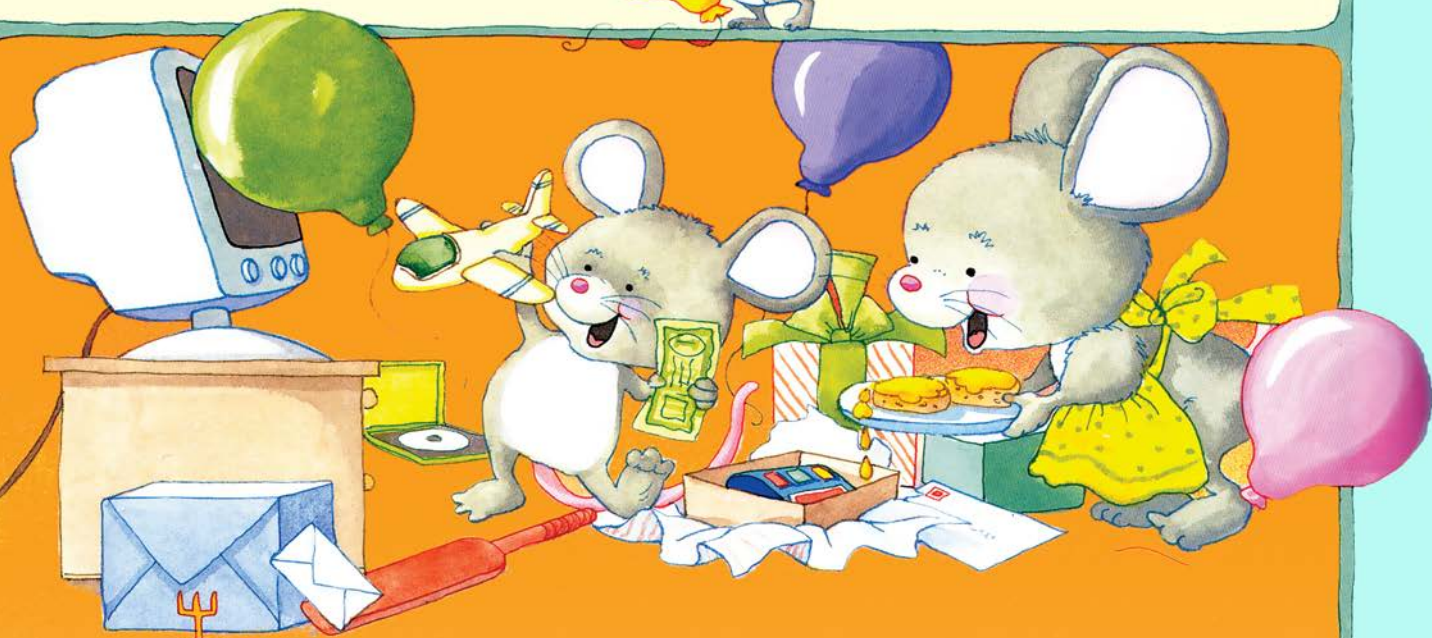
● احمد خدادوست
● تصویر گر: حمید رضا غفوری

*
باغ و دشت و کوه
غرق گل و نور
چشمه ها، جوشان
رودها، در عبور
*

سبزه ها، شاداب
غنچه ها، خندان
می شود شادی
در دل ها مهمان



موش کوچولو



دو روز بیشتر به تولد موش کوچولو باقی نمانده بود، ولی بابا موشی هنوز از شهر موش‌های صحرایی برنگشته بود. چند تا از بچه موش‌ها به موش کوچولو گفته بودند، شاید بابایت هیچ وقت برنگردد؛ ولی موش کوچولو مطمئن بود که بابا هر جا که باشد، تولد او را فراموش نمی‌کند.

روزی که بابا از او خداحافظی کرد، موش کوچولو از بابا خواست: «جایی نرو! دوست دارم روز تولدم پیش من باشی».

بابا موشی گفته بود: «اگر من و موش‌های دیگر نرویم، موش‌های صحرایی به تنهایی نمی‌توانند از شهر خودشان دفاع کنند. آن وقت گربه‌ها وارد شهر آنها می‌شوند».

● نویسنده: سپیده خلیلی
● تصویرگر: فاطمه قاسمی

موش کوچولو جواب داده بود: «اصلاً موش‌های صحرایی با موش‌های خانگی فرق دارند؛ شهر آنها زیرزمین است. چرا ما باید به آنها کمک کنیم؟»
بابا موشی برایش توضیح داد: «موش به هر حال موش است و گربه، دشمن همه‌ی موش‌هاست. وقتی موش‌های صحرایی مشغول کردن راهروهای زیرزمینی هستند، ما موش‌های خانگی برای آن‌ها غذا می‌بریم که گرسنه نمانند.»



روز تولّد موش کوچولو رسید و او با تعجب از مادرش پرسید:
«بابا نیامد؟ پس تولّدم چی شد؟»

مامان در حالی که سعی می‌کرد به چشم‌های او نگاه نکند، جواب داد:
«هر چی توی انبار داشتیم، به بابا دادم تا برای موش‌های صحرایی ببرد. باشد سال دیگر حتماً تولّدت را جشن می‌گیریم.»
موش کوچولو خیلی ناراحت شد، ولی باز هم توی دلش گفت: «بابا یادش نمی‌رود که امروز تولّد من است.»

نزدیک غروب موش کوچولو حوصله‌اش سر رفته بود، رفت که بخوابد.

یک دفعه صدای مادر را شنید: «چه خبر شده؟ بفرمایید تو!»

موش کوچولو از جا پرید. با خودش گفت: «آخ جان! بابا آمده!»

دوید و دوید. دید که یک دسته موش صحرایی از طرف بابا و خودشان برای تولّد او هدیه آورده‌اند و برای مادر هم یک عالمه غذا آورده‌اند که انبارش را دوباره پر کند.





صداهای همه در اطراف ما هستند

اگر چشم‌هایت بسته باشند، چگونه می‌توانی بگویی کجا هستی؟
اگر با دقت گوش دهی، گوش‌هایت به تو خواهند گفت. صدای ماشین‌ها و کامیون‌ها نشان می‌دهند که تو نزدیک جاده هستی.
اگر کنار دریا باشی، صدای امواج را خواهی شنید.
صداها وقتی به تو نزدیک هستند، بلندترند.
وقتی قطار می‌رسد، صدای آن در فاصله‌ی دور کم‌تر است، ولی وقتی نزدیک می‌شود، تو صدای آن را خیلی بلند می‌شنوی.

آشپزخانه

ماشین لباس‌شویی
رادیو
کتری
یخچال

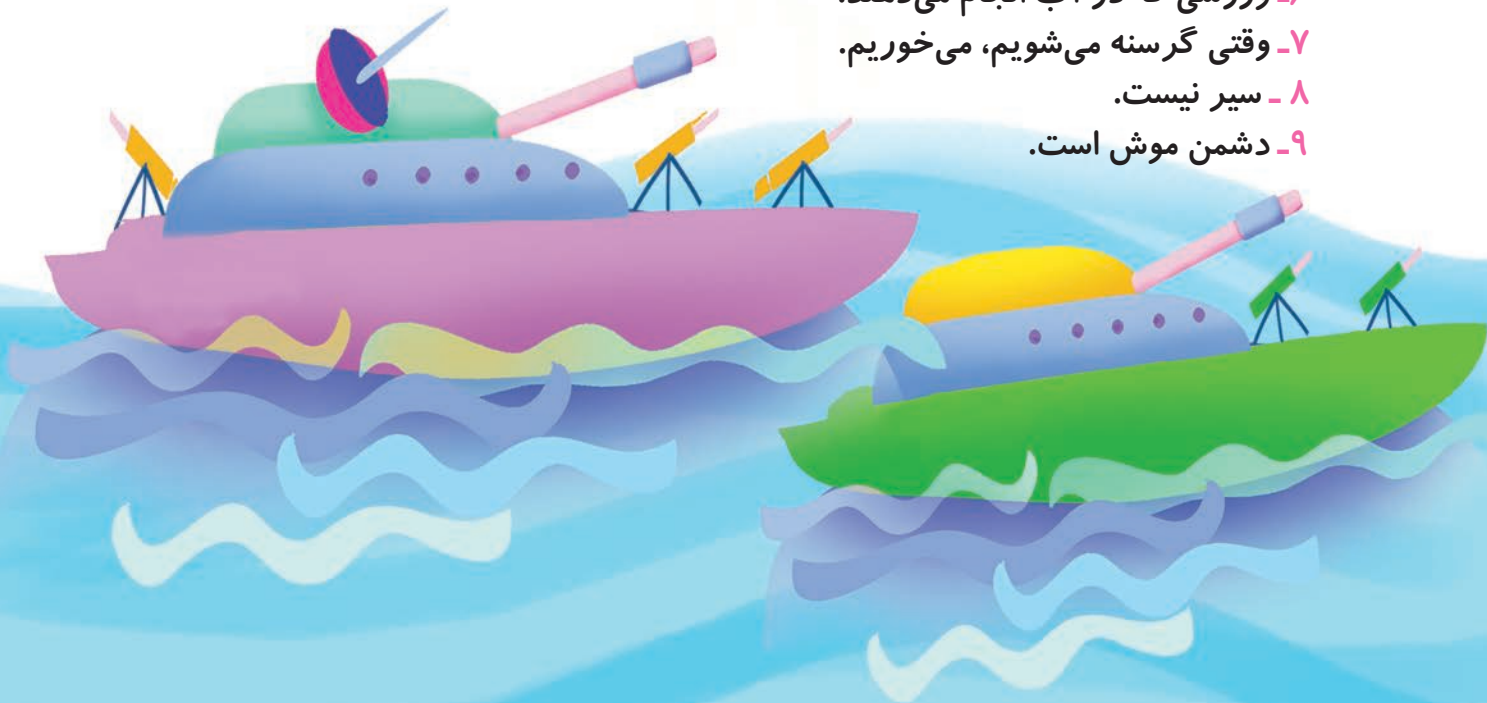
شلوغ‌ترین اطاق در
خانه‌ی شما کجاست؟
همه‌ی صداهاپی را که
در آن جا می‌شنوی
بنویس. ساکت‌ترین
جایی را که می‌شناسی
کجاست؟





ابتدا جدول را حل کن و سپس رمز آن را با حروف خانه‌هایی که در آن عدد نوشته شده، پیدا کن و آن را به آدرس مجله برای ما پست کن!

- ۱- قسمتی از آب‌های جنوب کشور عزیزمان که محل عبور کشتی‌هاست.
- ۲- به فرمانده کشتی می‌گویند.
- ۳- نام کشتی جنگی است.
- ۴- کسی که از حدود یک کشور نگهبانی می‌کند.
- ۵- وسیله‌ای که با آن ماهی می‌گیرند.
- ۶- ورزشی که در آب انجام می‌دهند.
- ۷- وقتی گرسنه می‌شویم، می‌خوریم.
- ۸- سیر نیست.
- ۹- دشمن موش است.



برندگان جدول شماره‌ی ۲۵:

- حانیه الهیاری از تهران
- محمدعلی فائزی از تالش
- فاطمه زهرا بهنمیری از مازندران

● تصویرگر: صنم رضایی نیا

					۱۱			۱
				۳	۱			۲
				۴				۳
		۵	۲					۴
							۹	۵
							۸	۶
					۷			۷
							۶	۸
							۱۰	۹





زرد آلو



لاله ضیایی از تصویر گرهای خوب کودک و نوجوان و از همکاران شاهد کودک است.
و مدّت هشت سال است که برای مجله‌های کودک و نوجوان نقّاشی می‌کشد.
این خاطره از اوست:

«نمی‌دانم چه کسی به من گفته بود، هرکس زرد آلو بخورد، موهایش زرد می‌شود.
من دلم می‌خواست موهایم زرد باشد.

یک روز دور از چشم همه نشستم و یک عالمه زرد آلو خوردم.
موهایم کوتاه بود و به زحمت می‌توانستم آن را جلوی چشمم بیاورم.
می‌خواستم هر وقت زرد شدند، دیگر نخورم؛ چون دلم داشت درد می‌گرفت.»

اردک‌های ماهوش

• اردک‌ها همیشه در کنار آب زندگی می‌کنند.

• آن‌ها تخم می‌گذارند و پس از مدتی جوجه اردک‌ها از تخم بیرون می‌آیند.

• مادر اردک‌ها برای این که بتواند بهتر از جوجه‌هایش مراقبت کند، آن‌ها را در کنار هم نگه می‌دارد.

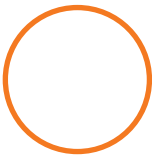
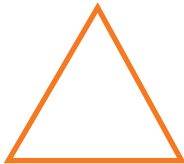
• بین انگشت‌های پای اردک‌ها پرده‌ای هست که به کمک آن، بهتر می‌توانند شنا کنند.

• وقتی زمستان از راه می‌رسد، اردک‌ها به دنبال رهبر خود پرواز می‌کنند و به جاهای گرم‌تر می‌روند که آب در آنجا یخ نزده باشد.



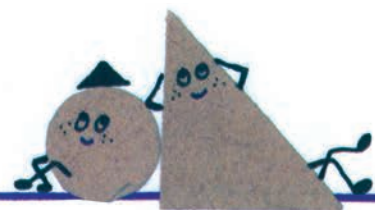
علامت‌های راهنمایی

علامت‌های راهنمایی را با قیچی ببر و در جدول زیر بچسبان!

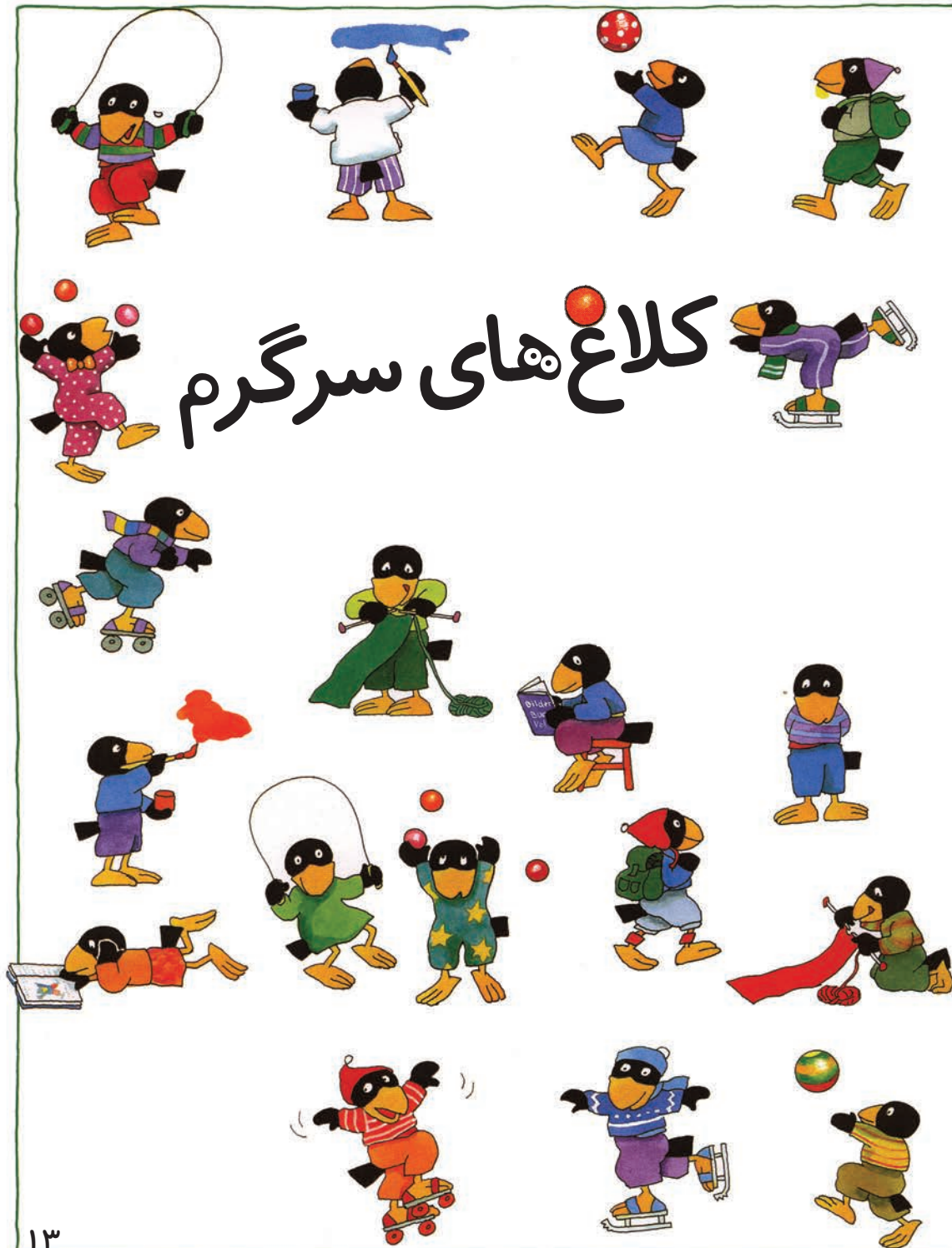


سرگرمی





کلاغ‌های سرگرم



در این صفحه هر
کاری را دو کلاغ
مثل هم انجام
می دهند، فقط یکی
از کلاغ‌ها تنهاست.
دور آن خط بسته
بکش!

نوید و ندادار نمایشگاه



آآ... چه قدر آدم!!!

آآ... چه قدر کتاب!!!



اگه گم شدین، از
جاتون تگون نخورین
تا ما بیایم!

دستای منو مامانو
ول نکنین!



منم کتاب می‌خوام،
بریم.



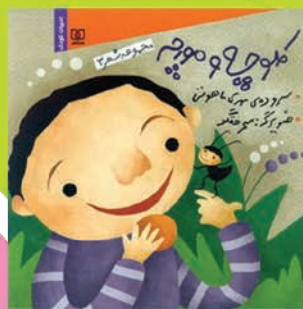
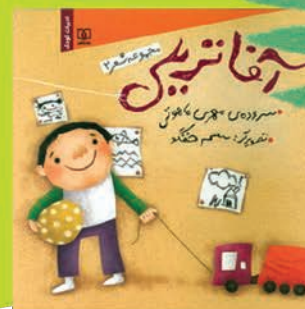
بریم غرفه‌ی بچه‌ها.

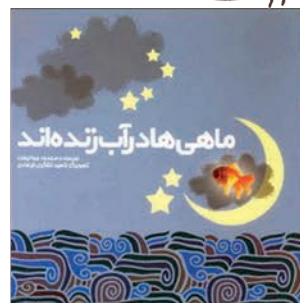
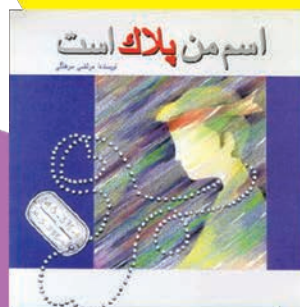
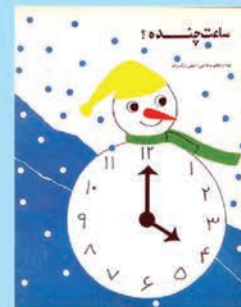




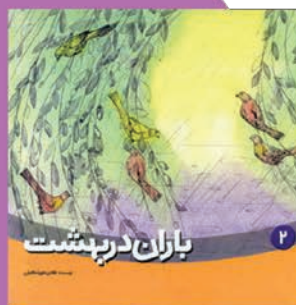
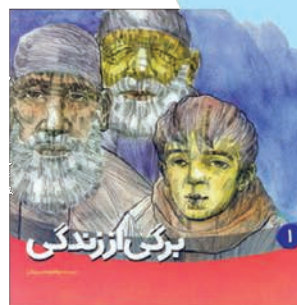
باغ گل

این جا یک باغ گل است؛ باغ گل نشر شاهد. اگر می خواهی گل های باغ یا همان کتاب های شاهد را که برای سن تو چاپ شده است، ببینی، حتماً در نمایشگاه کتاب





به غرفه‌ی نشر شاهد سری
بزن و به انتخاب خودت
چند گل بچین و ببر!
شاهد کودک هم با یک
عالم هدیه و جایزه، آن
جا منتظر توست. به امید
دیدار در نمایشگاه کتاب،
غرفه‌ی نشر شاهد.





قصه‌های من و شاهد





نوید و ندا

حتماً نوید و ندا را می‌شناسی؟ همان خواهر و برادری
را می‌گویم که هر ماه با مجله‌ی شاهد کودک به
خانه‌ات می‌آیند.

نشر شاهد یک لوح فشرده به نام «قصه‌های
نوید و ندا» برای بچه‌ها آماده کرده است
که شامل ده قصه‌ی کارتونی به نام‌های



«ماشین نقاشی»، «کوله‌پشتی»،
«کلوچه و مورچه»، «بابای
قهرمان»، «روز بابا»، «پوتین»،
«شکل ماه»، «خنده‌ی مامان»،
«کاراته باز» و «نقاشی» است. تو
می‌توانی این لوح فشرده را که
قیمت آن ۱۰۰۰ تومان است،
در نمایشگاه کتاب با تخفیف
بخری!

نشر شاهد، قرار است که لوح
فشرده‌ی «نوید و ندای ۲» را هم
تولید کند که آن هم پر است
از داستان‌ها و سرگرمی‌های
قشنگ. حتماً منتظرش باش، به
زودی به بازار می‌آید.

● نویسنده: گلдіس حکمی
● تصویر گر: فاطمه قاسمی

سفارش کتاب

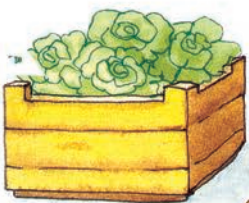


خر گوشک هر جا که می رفت، یک کتاب دنبالش می برد و در هر فرصتی کتاب می خواند. او زود به زود سفارش کتاب می داد و پیک آن را برایش می آورد. روزی خواندن یک کتاب را از اتاق نشیمن لانه اش شروع کرد و مثل همیشه، هر جا رفت کتاب را با خودش برد. از راهروهای پرپیچ و خم گذشت و وقتی به در دیگر لانه اش رسید، با خوشحالی پرید و گفت: «خواندم، خواندم! همه اش را خواندم! حالا کتابم را به دوستم گوش گوشی می دهم که او هم بخواند و خوشحال شود.»
اول مسیر خر گوشک را هنگام کتاب خواندن با انگشت نشان بده و بعد به سؤال های زیر جواب بده!

● تو کتابت را به دوستت می دهی؟

● چه طور از کتاب مواظبت می کنی؟

● اسم بهترین کتابی که خوانده ای یا برایت خوانده اند، چیست؟





● افسانه شعبان نژاد
● تصویر گر: سیاوش ذوالفقاریان



آینه و عروسک

در آینه‌ی ما
یک دختر اخم‌وست
یک دانه عروسک
توی بغل اوست

لب‌های عروسک
در آینه پیدا است
بر روی لب او
یک خنده‌ی زیباست

ای کاش بخندد
آن دختر کوچک
یک خنده‌ی زیبا
مانند عروسک



گل‌دان کاغذی

شکل‌ها را از محل نقطه چین ببر و مانند نمونه به هم وصل کن!





شکل‌ها را از محل نقطه چین ببر و مانند نمونه به هم
وصل کن!



پرپری‌های پرپری بال بالی‌های بالی

می‌خواهی به یک مهمانی خیالی بروی؟ می‌خواهی بدانی پرپی‌ها
برای مهمانی چه طور آماده می‌شوند و به هم چه می‌گویند؟

چی بپوشیم، چی نپوشیم! رنگ پرامون چی باشه؟!
لباس خوشگل نداریم کفش و کلامون چی باشه
من می‌رم از برگ و علف کلاه و پیرهن می‌دوزم
من هم با گلبرگ گلا شلوار و دامن می‌دوزم

بقیه‌ی شعر را می‌توانی در کتاب پرپری‌های پرپری
که سروده‌ای آقای ناصر کشاورز است، بخوانی.
آقای کشاورز شعر دیگری هم به نام بال بالی‌های بال
بالی سروده‌اند که ماجرای سفر با یک سفینه‌ی خیالی
به فضا است.

می‌توانی این کتاب‌ها را پس از خواندن به شکل آویز از
سقف اتاق آویزان کنی.
هر دو کتاب را نشر تولد با قیمت ۳۰۰۰ تومان به چاپ رسانده
است.



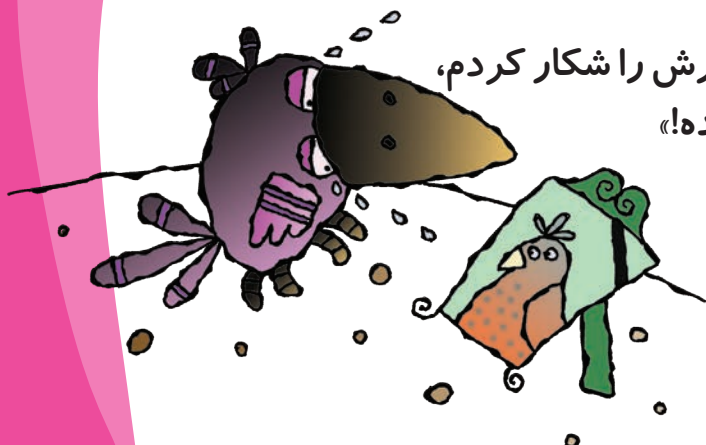
● تصویر گر: بهاره زارع

لباس سیاه

شکارچی اول: «بین چه کبک قشنگی شکار کردم!»

شکارچی دوم: «این که کلاغ است!»

شکارچی اول: آهان یادم آمد! دیروز برادرش را شکار کردم،
به همین خاطر عزادار است و سیاه پوشیده!



چیستان

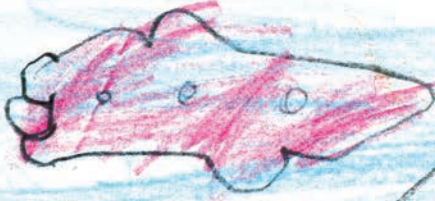
آن چه رنگی است که اگر برعکسش کنیم نام
یک حیوان وحشی می شود.

پاسخ: مار



سندوق چوبی پر از روغن کوهی.
ملیکا رسولی از تهران

پاسخ: شکر



داستان کودک

خاطره‌ی یک زنبور



من یک زنبور عسل هستم. کار من این است که عسل درست کنم. من توی باغ زندگی می‌کنم و می‌روم روی گل‌ها می‌نشینم. شهد گل‌ها را می‌گیرم و با آن‌ها عسل درست می‌کنم. ما دسته جمعی زندگی می‌کنیم و یک ملکه داریم که به آن خدمت می‌کنیم و برایش آب و غذا می‌بریم. وظیفه‌ی ملکه تخم‌گذاری است. وقتی به ما حمله کنند، ما از خودمان دفاع می‌کنیم و نیش می‌زنیم. ما نمی‌گذاریم کسی به عسل‌هایمان دست بزند و اگر بزند، او را نیش می‌زنیم. من یک حشره هستم. دشمنان ما پرندگان هستند. بعضی از ما زنبورهای کارگر هستیم و بعضی از ما زنبورهای نگهبان هستیم. ما شکل‌های مختلفی داریم. همه‌ی ما دوست داریم در جایی کندوی خود را بسازیم که پر از گل و گیاه باشد. ما زبان درازی داریم که به وسیله‌ی آن شهد گل‌ها را می‌مکیم و با آن‌ها عسل می‌سازیم. آیا دوست دارید یکی از خاطراتم را برایتان تعریف کنم. یک روز برای پیدا کردن غذا از خانه بیرون آمده بودم که در تار عنکبوت گیر افتادم. با کمک دوستانم و نگهبانان کندو از دست عنکبوت و تارش نجات پیدا کردم. از آن به بعد هر وقت از کندو خارج می‌شوم، مواظب اطرافم هستم، تا اتفاقی برایم پیش نیاید.



● سحر مستمند





اونیز می خندد

● فریبرز لریستانی «آشنا»
● تصویرگر: آرزو شمس

من را کمی حتی
او قلقلک می داد
پُر شد دل خانه
از خنده های شاد

امروز وقتی رفت
تسبیح او جا ماند
تسبیح، مثل من
بی او چه تنها ماند

او رفت و یادش رفت
با خود بَرَد آن را
ای کاش برگردد
دنبال آن حالا.

بابا بزرگ من
شب، خانه ی ما بود
دلتنگ هستم چون
او رفت خیلی زود

او آمد و من را
خنداند و هم بوسید
با خنده های من
او نیز می خندید

انتخابات



ارثیا ابادریان - ۶ ساله از بابل



الهام نامی راد - کلاس اول از تهران



مریم جهانیان - ۷ ساله از تهران

- ۱ رضا محرابی
- ۲ سید مهدی حسینی نقوی
- ۳ رضا ملکی
- ۴ محمد مهدی نظری کیاوندانی
- ۵ فاطمه محرابی
- ۶ سها نظری خواجه



سید شهاب الدین مطلبی - ۸ ساله از تهران





متین رئوفی - ۷ ساله از سنندج



علیرضا باختر - ۷ ساله از سبزوار



محمد صادق مجیدی یزدی - ۷ ساله از تهران



فاطمه دشتیان - ۶ ساله از تهران



ایناز اسدی - ۴ ساله از تهران



ابوالفضل مرادی - ۹ ساله از تهران



ایلیا اسدی - ۷ ساله از تهران

فرم اشتراک شاهد کودک

دوستان خوب و مهربان، فرم زیر را با کمک بزرگ‌ترها پر کنید و به نشانی ما بفرستید.
مبلغ اشتراک ششماهه ۱۸۰۰ تومان و یکساله ۳۶۰۰ تومان است.
مبلغ مورد نظر خود را به شماره حساب ۲۱۸۲۰۵۵۵ بانک تجارت شعبه‌ی میدان هفتم تیر به نام انتشارات شاهد واریز نمایید.

فیش واریزی را همراه با فرم تکمیل شده به نشانی مجله‌ی شاهد کودک ارسال نمایید.
نشانی: تهران، خیابان آیت‌الله طالقانی، خیابان ملک الشعرای بهار شمالی، پلاک ۳
صندوق پستی: ۱۹۱-۱۵۷۱۵، انتشارات شاهد

نام: نام خانوادگی: تاریخ تولد: .. / .. / ۱۳۰۰
نشانی:
کد پستی: تلفن:
مدت اشتراک: ۶ ماه یک سال



بچه‌های مجله

محمد رسول طالبی
محمد داداشوند
صوفیا قاسمی
دریا مقیمی
زهرا فرامرزی
متین رئوفی
فهیمة مقدسی

آی‌تک موسی‌زاده
حسن خاکساری
رومینا اولیایی
فاطمه شهنساری
ندا خادم‌زاده
مهساسادات طباطبایی
صبا ریوندی
زهرا اصفهانی

سحر گارزی‌پور
آرمین گارزی‌پور
فاطمه حمیدی
مائده عظیمی‌پور
نیلوفر زینالی
کیمیا مسروری سعادت
مهدی محبوبی
ترانه دفک

چه کار کنم؟ چه کار نکنم؟

از هر چیزی به اندازه بخور و بعد از خوردن شیرینی دندان‌هایت را مسواک بزن.



با حیوانات مهربان باش.

محیط اطراف خود را پاکیزه نگه دار.



وقتی از خواب بیدار می‌شوی، تخت‌خواب خودت را مرتب کن.

عکس: اعظم ال ریجانی

چه حرف‌های خوبی می‌زنی!
باز هم بگو!

